

به نام جان و خرد و خدا قوت

غرق پیغام عشق

گفت: هستم غرق پیغام خدا

جادوی کی دید با نام خدا؟

-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۳۶۲

غفلت و کفرست مایه جادوی

مشعله دینست جان موسوی

-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۳۶۳

پروردگارا هزاران شکر و سپاس نسیم جان بخش صبا دمید و بوی متعفن و لجن زار ذهن پر منیت با تکرار ابیات معجزه آسای مولانای جان را شست و پاک کرد و با صفای جان پیغام و عهد الست را به ارمغان آورد. آری، هدیه ای از عشق، از جنس الست و ما را غرق پیغام نورانی اش کرد، از طریق شناسایی عمیق و فضاگشایی مستمر تا چشم دلمان و چشم عدم بین و سکوت شنو باز شود.

با قانون و الگوها و باورهای من ذهنی از شرم و حیا قلبی جز گمراهی و درد فغان سودی ندارد رهایمان کرد تا با آب شناسایی و درد هشیارانه غرق پیغام خدا شویم و به جای گله و شکایت در صبر و شکر نیکو در این راه عشق با صدق و راستین گام برداریم و از جمع خویشان معنوی که بوی عشق می دهند جدا نشویم. با تمرکز روی خود معجزه خود باشیم. با عزمی راسخ و همت اراده محکم و قوه تمییز قوی فتوادهنده خود در لحظه باشیم، درپاش و نورپاش و جهان را منور به نور عشق کنیم .

تا نقوش هشت جنت تافته ست

لوح دلشان را پذیرا یافته ست

مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۴۹۸

برترند از عرش و کرسی و خلا

ساکنان مقعد صدق خدا

مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۴۹۹

با سپاس فراوان

فاطمه مازندران